

فصلنامه علمی- پژوهشی «پژوهش زبان و ادبیات فارسی»

شماره بیست و هفتم، زمستان ۱۳۹۱: ۱۳۰-۱۰۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۰۱/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۲/۲۶

نقد سیاست‌زدگی در رمان معاصر

(مطالعه موردی رمان سیاسی «رازهای سرزمین من»^۱)

* مصطفی گرجی

** سید علی سراج

چکیده

رمان سیاسی یکی از اقسام ادبیات داستانی فارسی با مؤلفه‌هایی خاص است که از دیگر جریان‌های داستان‌نویسی معاصر متمایز است. به دلیل ویژگی و ماهیت منحصر به فرد این نوع از داستان‌ها و تعامل نزدیک با جامعه و وقایع اجتماعی و سیاسی، روش تحلیل گفتمان انتقادی، رویکردی مناسب در تحلیل این قسم از ادبیات داستانی است. این رویکرد بر هر دو جنبه صورت و معنای متن توجه دارد و در تحلیل متن‌های ادبی، افزون بر جنبه‌های صوری و واژگانی، به عوامل گوناگون فرهنگی، اجتماعی و سیاسی که در شکل‌گیری متن مؤثرند؛ نظر دارد. از این‌رو صاحب‌نظران این رهیافت معتقدند که در تحلیل متن، صرفاً با عناصر لغوی تشکیل‌دهنده جمله، به عنوان عمده‌ترین مبنای تشریح معنی، یعنی زمینه متن یا همبافت سروکار نداریم؛ بلکه فراتر از آن، به عوامل بیرون از متن، یعنی بافت موقعیتی، فرهنگی، اجتماعی و غیره توجه داریم. «نورمن فرکلاف»^۲ از نظریه‌پردازان تحلیل گفتمان انتقادی است که متون را در سه سطح توصیف^۳، تفسیر^۴ و تبیین^۵ بررسی می‌کند. این شیوه از تحلیل، در تبیین و کشف دیدگاه‌های فکری نویسندگان و رویکردهای سیاسی و اجتماعی آنان، روشی کارآمد است. چهارچوب نظری این پژوهش بر مبنای رویکرد تحلیلی فرکلاف شکل گرفته است. روش پژوهش، توصیفی-

۱. مقاله، برگرفته از طرح پژوهشی «بررسی و تحلیل ادبیات داستانی سیاسی معاصر (۱۳۵۷-۱۳۸۵)» است که در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی انجام شده است.

* نویسنده مسئول: عضو گروه ادبیات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی و دانشیار گروه زبان و

Gorjim11@yahoo.com

ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور

Ali.seraj78@yahoo.com

** استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور

2. Fairclough, N

3. descriptive

4. interpretive

5. expressive

تحلیلی است و بر مبنای رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی می‌کوشد با تأمل و بازخوانش رمان «رازهای سرزمین من»، نوشته رضا براهنی که از برجسته‌ترین رمان‌های سیاسی پس از انقلاب اسلامی است، حوادث مهم و جریان‌ساز سیاسی ایران را با تأکید بر مسائل روانی شخصیت‌ها و عناصر برجسته حاضر در آن همچون نشانه‌شناسی عنوان، تصویرها و توصیف‌ها، شخصیت‌های داستان (کنشگر-کنش‌پذیر-راوی)، نحوه روایت‌پردازی، طرح و درون‌مایه برتر داستان و... بررسی و تحلیل کند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که این رمان به عنوان یک متن ادبی با روش فرکلاف در تعامل با کردار گفتمانی و کردار اجتماعی و هژمونی غالب جامعه بوده و با گفتمان حاکم بر دهه شصت ایران تناسب نزدیکی دارد.

واژه‌های کلیدی: رمان سیاسی، تحلیل گفتمان انتقادی، رازهای سرزمین من و رضا براهنی.

Archive of SID

مقدمه

رمان و خصوصاً رمان‌های فارسی، به دلیل ابتناب بر حقیقت‌مانندی و توجه به بازآفرینی دگرگونی‌های بیرونی و ترسیم حقایق پنهان، رنگ و مایه جهان‌بینی و نگرش نویسنده را در بافتار چندلایه‌ای خود جای می‌دهد و در عمل ادبی، رمان، جدی‌ترین قالب‌ها از جهت درآمیختگی با ابعاد انسانی، اجتماعی و فرهنگی به شمار می‌آید. به همین دلیل می‌توان ادعا کرد که ظرفیت رمان از حیث تناسب با تحلیل گفتمان، تا حدی است که بتوان رمان‌ها را در یک نگاه عمومی، ظرف گفتمان روزگار دانست؛ چراکه درون‌مایه‌های رمان مانند سخنان گذرنده‌ای از ذهن جامه عبور نخواهد کرد، بلکه در تکوین هویت اجتماعی اثر خواهد گذاشت.

یکی از رویکردهای مؤثر در تحلیل متن‌های ادبی که صورت و معنای متن را همزمان پی‌جویی می‌کند، شیوه تحلیل گفتمان و شاخه برجسته آن، تحلیل گفتمان انتقادی است. صاحب‌نظرانی چون نورمن فرکلاف، روث وداک، تئون ون دایک، راجر فاولر و گونتر کرس، در زمینه معرفی و رشد تحلیل گفتمان انتقادی به عنوان گرایش نو در تحلیل متن نقش داشته‌اند. در این پژوهش از میان رویکردهای یاد شده، رویکرد نورمن فرکلاف انتخاب شده و روش خاص این تحقیق است. فرکلاف متون را در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین بررسی می‌کند.

یکی از نویسندگان برجسته در حوزه ادبیات داستانی، رضا براهنی است که در داستان‌هایش پیوند میان اجتماع و سیاست به وضوح مشاهده می‌شود. در این جستار، نویسنده بر آن است که شاخصه و مؤلفه‌های رمان‌های سیاسی را با توجه به زمینه و شرایط تولید متن و نهاد سیاست از یکسو و با توجه به کلیت و تمامیت اثر و کارکرد کل متن از سویی دیگر، با رویکرد فرکلاف در رمان مورد بحث بررسی و تحلیل کند. با این نگاه باید گفت بررسی موقعیت و تعامل رمان و سیاست و کشف و دریافت رفتارهای سیاسی برآمده از تحولات کلان اجتماعی از خلال این نوع از ادبیات، به غنی‌سازی نقد ادبی در حوزه ادبیات داستانی سیاست‌گرا کمک خواهد کرد. چارچوب نظری این پژوهش، تحلیل گفتمان انتقادی در حوزه نقد محتوایی و بررسی عنصر شخصیت و درون‌مایه در حوزه نقد مربوط به ساختار و عناصر داستانی با توجه به رویکرد یاد شده است.

در باب پیشینه پژوهش می‌توان گفت درباره کاربست نظریه گفتمان انتقادی فرکلاف در تحلیل آثار داستانی فارسی، پژوهش‌هایی نظیر پژوهش قاسم‌زاده و گرجی (۱۳۹۰) با عنوان «تحلیل گفتمان انتقادی رمان دکتر نون»، گرجی و دیگران (۱۳۹۱) با عنوان «تحلیل گفتمان انتقادی رمان کولی کنار آتش»، قبادی و دیگران (۱۳۸۸) با عنوان «تحلیل گفتمان غالب در رمان سووشون سیمین دانشور» و قبادی و دیگران (۱۳۹۰) با عنوان «تحلیل گفتمانی رمان جزیره

سرگردانی و پیوند معنایی با دیگر رمان‌های سیمین دانشور» انجام گرفته است. ولی در زمینه آثار براهنی و به‌ویژه رمان «رازهای سرزمین من»، پژوهشی بر مبنای رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی به این شکل صورت نگرفته است.

یکی دیگر از نکاتی که در مقدمه یادکرد آن لازم است، رابطه و تعامل رمان و سیاست با توجه به رویکرد تحلیل گفتمانی فرکلاف است. مطابق نظر اکثر متفکران حوزه جامعه‌شناسی ادبیات، ارتباط و تقریب ادبیات با سیاست به‌گونه‌ای است که به سختی می‌توان میان متون ادبی، سیاسی و فلسفی مرزی مشخص قائل شد (هورتون، ۱۹۹۶: ۵). همچنان که رمان‌نویسانی همچون اورول نیز بر آن بودند که هیچ متنی از تعصب سیاسی نمی‌تواند رها باشد و این عقیده را که هنر باید از سیاست برکنار بماند نیز یک گرایش سیاسی می‌دانستند (زرشناس، ۱۳۸۸: ۳۴۰).

در این بستر باید گفت مهم‌ترین مشخصه ادبیات و رمان سیاسی^(۱) در این است که زبان و لحن بیان آن نیز برنده و تهاجمی است و به دلیل بسته بودن برخی جوامع و دشواری بیان مسائل سیاسی روز، نویسنده تنها به طرح مسئله اکتفا می‌کند و وظیفه تحلیل داده‌ها را به خواننده می‌سپارد و به کمک شگردهای هنری، مسائل سیاسی و انتقادی را در لایه‌های زیرین اثر مطرح می‌کند (پارسی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۱۳۶). همچنین در این نوع رمان، معمولاً عناصر متضاد همچون کاخ ستم در کنار خانه فقیران، گذشته و حال، شهرهای بزرگ و روستاها، افراد پاک‌طینت در برابر بدطینت، کارخانه‌داران و سرمایه‌داران در برابر قربانیان زندگی در کنار و در تقابل با یکدیگر قرار می‌گیرد (همان: ۱۴۳-۲۱۹).

رمان سیاسی، بازپرداخت و بازآفرینی یک جریان سیاسی مشخص یا بیان اندیشه سیاسی و یا نقد رجل/رجال سیاسی (عموماً ادوار گذشته) در قالب داستان است. نویسنده در این نوع ادبی، با لحاظ کردن مسائل سیاسی با هویت‌بخشی سیاسی به قهرمانان و تیپ‌های داستان، تساوی انسان و سیاست را رقم می‌زند و به نوعی در صدد است در قدرت سهیم شود. بر این اساس از آنجایی که بخش عظیمی از آثار ماندگار در سده اخیر در قالب رمان است، بخش اعظم تحولات کشور را می‌توان در این نوع ادبی با توجه به نقد سیاسی تحلیل کرد. نقدی که یکی از کم‌نام و گم‌نام‌ترین نقدها در ایران است.

رضا براهنی، موقعیت او و آثارش در بافت فرهنگی، اجتماعی و سیاسی ایران

از دیدگاه نقد جامعه‌شناسی، «هر طبقه را می‌توان بنیاد هر جامعه یا ملتی دانست و چنین نتیجه گرفت که شخصیت و شیوه اندیشه و سلوک و سبک هر کس، عمدتاً موافق پایگاه طبقاتی او تعیین می‌شود. طبقه، شخصیت را می‌سازد و شخصیت جهت و ماهیت فعالیت‌های افراد و از

آن جمله سبک هنرمند را مشخص می‌سازد» (ناتالی، ۱۳۸۴: ۸۶). از این‌رو در بررسی آثار نویسنده، توجه به موقعیت فرهنگی، اجتماعی و سیاسی هنرمند و نویسنده، اهمیت فراوانی دارد؛ زیرا فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی و سیاسی هر فرد و ذهنیتی که از هر کدام از این فعالیت‌ها دارد، جهان‌بینی او را رقم می‌زند. رضا براهنی (۱۳۱۴)، نویسنده، شاعر و منتقد ادبی ایرانی و عضو کانون نویسندگان ایران و رییس سابق انجمن قلم کانادا است و آثار او به زبان‌های مختلف از جمله انگلیسی، سوئدی و فرانسوی ترجمه شده است.

او متولد تبریز است و خانواده‌اش زندگی فقیرانه‌ای داشت. پس از تجربه زندگی متفاوت و فراز و نشیب‌های فراوان، در جریان نقد ادبی در ایران تأثیر فراوانی گذارد^(۳). پس از پیروزی انقلاب اسلامی، از مدافعان سرسخت جناح چپ در ایران بود و با کمک عده‌ای از مارکسیست‌ها، حزب کارگران سوسیالیست ایران را پایه‌گذاری کرد. به دلیل مخالفت‌های علنی با نظام جمهوری اسلامی ایران و موضع‌گیری آشکار بر ضد رهبر انقلاب، فراندم جمهوری اسلامی، قانون اساسی و همکاری با حزب منحل شده خلق مسلمانان و رهبری حزب کارگران سوسیالیست ایران دستگیر و بازداشت شد (حسن‌بیگی، ۱۳۶۷: ۱۴). براهنی پس از آزادی از زندان، شیوه مبارزاتی خود را تغییر داد و با روی آوردن به هنر داستان‌نویسی، به تهییج و تحریک اندیشه‌های سوسیالیسم در قالب هنر و ادبیات داستانی پرداخت.

تاکنون در زمینه‌های مختلف ادبی، از جمله داستان، شعر، نقد ادبی و... آثار مختلفی از براهنی به چاپ رسیده است. او در کنار چند مجموعه شعر همچون آهوان باغ (۱۳۴۱)، جنگل و شهر (۱۳۴۳)، شبی از نیمروز (۱۳۴۴)، مصیبتی زیر آفتاب (۱۳۴۹)، گل بر گسترده ماه (۱۳۴۹)، ظل الله (۱۳۵۸) و... کتاب‌هایی نیز در حوزه نقد و دیدگاه‌های ادبی دارد. قصه نویسی، طلا در مس، جنون نوشتن، بحران در رهبری نقد ادبی، کیمیا و خاک، تاریخ مذکر، در انقلاب ایران چه شد و چه خواهد شد، گزارش به نسل بی‌سن فردا (سخنرانی‌ها و مصاحبه‌ها) از این قبیل است (شروقی، ۱۳۸۵: ۵).

در زمینه آثار داستانی نیز روزگار دوزخی آقای ایاز (۱۳۵۱)، بعد از عروسی چه گذشت (۱۳۶۱)، چاه به چاه (۱۳۶۲)، رازهای سرزمین من (۱۳۶۶)، آواز کشتگان^(۴) (۱۳۶۲)، آزاده خانم و نویسنده‌اش یا آشوبتس خصوصی دکتر شریفی^(۴) (۱۳۷۶) را نوشت. مهم‌ترین ویژگی مجموعه آثار داستانی نویسنده، بازتاب دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی ایران با زبان و روایت نقادانه، چه پیش از انقلاب اسلامی و چه پس از آن است. به عنوان نمونه رمان سه جلدی «روزگار دوزخی آقای ایاز» (۱۳۵۱)، نوعی «قصه زندان» است. این رمان بررسی روان‌کاوانه‌ای از رابطه حاکم و محکوم، با واژگان و صحنه‌های جنسی بی‌پرواست. سرریز و فوران کلمات در جملات طولانی از

ضمیر نیمه‌آگاه راوی، ذهنیت زندانی و سرکوفته‌ای را بازآفرینی می‌کند که اینک سرپوش آن برداشته شده است و بخار بویناکش فضا را مسموم ساخته است (میرعابدینی، ۱۳۸۶: ۴۳۱). رمان تقریباً زمانی ضد سلطنت و ضد مقهوریت است. بافت تاریخی در این رمان هم‌جوار با وقایع سال‌های ۱۳۵۰ می‌آید (همان: ۴۳۲). براهنی در این رمان، تاریخ سیاسی گذشته را به اوضاع سیاسی امروز و غرق شدن صمد بهرنگی در ارس و کشتار مخالفان سیاسی پیوند می‌زند (شیری، ۱۳۸۷: ۹۳).

رمان دیگر او، «بعد از عروسی چه گذشت» (۱۳۶۱) نیز از نظرگاه تحلیل‌گفتمان، داستان سیاست، مبارزه و تقابل اندیشگانی گفتمان برتر و فرودست و زندانی روشنفکران است. وقایع رمان در دوره پهلوی دوم اتفاق می‌افتد.^(۵) داستان «چاه به چاه»^(۶) (۱۳۶۲) نیز ماجرای حمید، دانشجوی ترک‌زبان سپاهی دانش است که ساواک او را به جرم داشتن اسلحه در روستای رودبار گیلان دستگیر کرده است. زمان وقوع این داستان نیز همانند اکثر داستان‌های او، پیش از انقلاب (۱۳۵۲) است.

بررسی و تحلیل رمان رازهای سرزمین من

نگاهی به رمان با تأکید بر درون‌مایه و شخصیت‌های داستانی

رمان سه جلدی «رازهای سرزمین من»، داستان مجموعه حوادث قبل و بعد از انقلاب اسلامی است که در آن، روابط درونی و بیرونی شخصیت‌های داستان روایت می‌شود. گروهان آمریکایی، راسکو دیویس به همراه مترجمش، از تبریز به سوی اردبیل می‌روند. به دلیل بارش برف سنگین و دیده نشدن جاده در شب، مجبور می‌شوند کنار جاده توقف کنند. در وقت صبح گرگی به آنها حمله می‌کند. نکته جالب اینکه گرگ فقط به دیویس حمله می‌کند و توجهی به مترجم ندارد. در طول داستان نیز این گرگ، فقط اجنبی‌کش است و قبلاً هم یک قزاق روس و یک سرهنگ انگلیسی راکشته است. دوران محمدرضا شاه پهلوی است؛ دهه ۱۳۳۰ شمسی، سرهنگ جزایری در پادگانی در تبریز خدمت می‌کند. سرهنگی ژولیده و معتاد که پس از آنکه همسرش ماهی طلاق گرفته است، هیچ معنایی در زندگی نمی‌یابد. سروان کرازلی یکی از سروان‌های آمریکایی او را تحقیر می‌کند، تمسخر می‌کند، تنبیه می‌کند. روزی چند گروهان که از تحقیر سرهنگ به ستوه آمده‌اند، به سراغ او می‌روند و از او می‌خواهند که اجازه دهد سروان کرازلی را بکشند. سرهنگ اجازه می‌دهد. سروان با تیر گروهان‌ها به خاک می‌افتد. سرهنگ و گروهان‌ها و مترجم پادگان، حسین تنظیفی، دستگیر می‌شوند. سرهنگ و گروهان‌ها تیرباران می‌شوند. حسین تنظیفی که هیچ نقشی در ماجرا ندارد، به حبس ابد محکوم می‌شود. ۲۱ سال را در

زندانی می‌گذرانند و در آستانه انقلاب آزاد می‌شود. در همان سال‌هایی که سروان کرازلی کشته می‌شود، تیمسار شادان، فرماندار نظامی تبریز است، مردی تا مغز استخوان فاسد که سودابه همسرش را در آغوش مردان دیگر می‌گذارد، با گماشتگانش رابطه جنسی دارد، به هوشنگ، برادر همسرش، در زمان کودکی او تجاوز کرده است. در این میان تنها تهمینه، خواهر زن تیمسار شادان است که سلامت اخلاقی دارد. ماهی پس از طلاق از سرهنگ، به قدرت‌مداران هیأت حاکمه سخت نزدیک شده است. حسین تنظیفی در روزهای انقلاب آزاد شده و با مردی به نام ابراهیم آقا که مدیر دبیرستان است، آشنا می‌شود و با او به خانه می‌رود. زنی به نام رقیه به خانه ابراهیم آقا رفت‌وآمد دارد. رقیه زمانی در محله بدنام تهران خودفروشی می‌کرده است. حاج گلاب، آب توبه بر سر رقیه خانم ریخته و او را به زنی گرفته است. انقلاب پیروز می‌شود. ابراهیم آقا از غصه شهادت جوانانی که در مدرسه او درس می‌خواندند، دق می‌کند. کمی بعد حاج گلاب هم می‌میرد. حسین تنظیفی و رقیه تصمیم می‌گیرند با هم ازدواج کنند. مادر ابراهیم آقا پس از آنکه تلویزیون، پخش مراسم ورود آیت‌الله خمینی را به ایران قطع می‌کند، دق می‌کند. هوشنگ که مأور سازمان جاسوسی آمریکاست، حسین تنظیفی را می‌کشد. رقیه خانم به شکل یک خدمتکار درمی‌آید و هوشنگ را که در سونای خانه حاج فانوس پنهان شده است، به گرمای سونا می‌سوزاند. ماهی که به عقد تیمسار ضراب درآمده و پس از انقلاب در لندن زندگی می‌کند، خودکشی می‌کند. سودابه دستگیر می‌شود.

عناصر بافت موقعیت تاریخی داستان با توجه به عناصر تحلیل گفتمان

بر اساس تحلیل گفتمان با دو چارچوب متنی و فرامتنی مواجهیم که بخش اول، ماهیتی سبکی، نحوی- معنایی و دومی، ماهیتی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دارد. بنابراین در این روش علاوه بر عناصر لغوی و نحوی تشکیل‌دهنده جمله، با عناصر بافت موقعیت تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی نیز سروکار داریم (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۴). در این جستار، تحلیل گفتمان یعنی توجه به متن در بافت موقعیت و فضایی مطرح می‌شود که یک اثر در آن شکل گرفته است و لاجرم در این نوع از بررسی، توجه به موقعیت فرهنگی، سیاسی و اجتماعی مانند (براهنی در قبل و بعد از انقلاب)^(۷)، اهمیت فراوانی دارد. از دید فرکلاف، متن در درجه اول، دارای کلیتی است که بدان وابسته است و در داخل متن، مجموعه‌ای از عناصر وجود دارد که علاوه بر اینکه به یکدیگر مرتبط‌اند، کلیتی را می‌سازند که بدان گفتمان می‌گویند. از این‌رو متن یا گفتمان، به مجموعه‌ای از عوامل بیرونی متکی است. این عوامل هم در فرایند تولید متن و هم در فرایند

تفسیر متن مؤثر هستند. یک متن علاوه بر بافت^۱ و فرایند تفسیر متن، به شدت متأثر از شرایط اجتماعی است که متن در آن تولید یا تفسیر می‌شود. بافت فرهنگی و تاریخی، تأثیر بیشتری نسبت به بافت متن و فرایند تولید و تفسیر آن دارد (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۶۲).

با این توصیف باید گفت که برآهنی این رمان را در اوایل دهه ۶۰ نوشت و ماجرای آن از شهریور سال ۱۳۲۰ آغاز شده و در اواخر سال ۱۳۵۷ به پایان می‌رسد. زمان وقایع کتاب به سال‌های حضور آمریکایی‌ها در ایران مربوط می‌شود و مشخصاً از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا تابستان ۱۳۵۸ را روایت می‌کند. در فاصله این سال‌ها، تحولات سیاسی، تاریخی و فرهنگی کشور و نیز وقوع انقلاب با طول و تفصیل تمام تصویر می‌شود و نویسنده با توجه به حجم رمان، فرصت می‌یابد دربارهٔ تحولات سیاسی ایران معاصر نیز به شرح تمام قلم‌فرسایی کند.

رمان، هشت راوی متفاوت دارد که همه آنها نسبت به آنچه در فضای سیاسی و اجتماعی ایران می‌گذرد، روایت‌های خود را دارند و گاه همین حضور راویان متعدد باعث آشفتگی نثر رمان شده است (فعله‌گری، ۱۳۶۸: ۲۱-۲۹). در واقع مؤلف در این رمان ۱۳۰۰ صفحه‌ای و با توجه به چندصدایی بودن، تلاش کرده فراز و فرودهای تاریخ ایران را از زاویه دید خاص خودش روایت کند. مخصوصاً فصل بسیار طولانی روایت قول حسین میرزا که در فاصله زمانی دی تا بهمن ۵۷ روایت می‌شود.

رازهای سرزمین من، از چهار بخش که شامل هشت کتاب است، تشکیل شده است. در بخش اول که عنوان «کینهٔ ازلی» را بر خود دارد، با تصویری از آمریکایی‌ها که در آستانهٔ کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به ایران آمدند، روبه‌رو می‌شویم. این آمریکایی‌ها که عمدتاً نظامی هستند، به تبریز می‌روند و در کارهای نظامی فعالیت می‌کنند. اهمیت آذربایجان به دلیل همسایگی با شوروی (شوروی سابق) برای آمریکا زیاد است. در واقع هدف این است که بر فعالیت‌های شوروی در مرزهای شمالی ایران نظارت کند و راه ورود کمونیسم به ایران مسدود شود. از لحاظ تاریخی، تبریز یکی از شهرهایی است که تحولات زیادی در آن رخ داده است.

در این رمان، جریان‌های تاریخی متفاوتی روایت می‌شود. از جنگ جهانی دوم گرفته تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و قیام خودمختار مردم آذربایجان، همه در این رمان مورد توجه نویسنده قرار گرفته است و همان‌گونه که از نام رمان پیداست (نشانه‌شناسی عنوان، اسم‌گذاری)، نویسنده در این رمان از لحاظ تاریخی، مهم‌ترین تحولات و رازهایی را از کودتای ۲۸ مرداد تا انقلاب اسلامی در نظر داشته و در رمان مستقیم و غیرمستقیم از زبان شخصیت‌ها روایت می‌کند. یکی از این جریان‌های تاریخی که از دیدگاه نگرش سیاسی نویسنده در رمان مورد توجه

است، قیام خودمختار مردم آذربایجان و کردستان است. در سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۴ تحولات زیادی در ایران روی داد. یکی از مهم‌ترین این تحولات، بروز چالش‌های قومی-منطقه‌ای در ایران بود. در این دوره، ارتش‌های متفقین از دو سو وارد خاک ایران شدند و با وجود اعلان بی‌طرفی ایران، قسمت‌های وسیعی از خاک کشور را اشغال کردند. شوروی مدعی بود که با واگذاری نفت جنوب ایران به انگلیس و مخالفت ایرانی‌ها با واگذاری نفت شمال به شوروی، نوعی تبعیض بر ضد شوروی قائل شده‌اند. بنابراین آنان در صدد برآمدند تا از طرق گوناگون، خود به هدف خود دست یابند. قیام خودمختار آذربایجان و کردستان، یکی از راه‌های نفوذ آنان در ایران بود. این قیام در مشکین‌شهر، مراغه، مهاباد و سرانجام در تبریز روی داد. آنان از شوروی، سلاح سرد دریافت می‌کردند (آبراهیمیان، ۱۳۷۹: ۲۲۸ و مقصودی، ۱۳۸۰: ۱۱۴). دولت آمریکا و رژیم پهلوی در این دوره، ارتش خود را وارد تبریز کردند. همه این تحولات در رمان رازهای سرزمین من بازتاب یافته است.

براهنی، تحولات فرقه دموکرت آذربایجان و وارد شدن ارتش شاهنشاهی را به شهر در نظر دارد. ورود ارتش را به تبریز، مشکین‌شهر، سراب و اردبیل به این دلیل می‌داند که رژیم پهلوی و ارتش شاهنشاهی معتقد بودند که این مناطق به تحریکات شوروی، سعی در استقلال‌طلبی و محدود کردن و سرکوب کردن شاه دارند (براهنی، ۱۳۸۷: ۱۶۰-۱۶۶). توجه به کشتارها در تبریز و اردبیل (ص ۱۷۷)، روز رستاخیز ملی در تبریز (ص ۲۰۲)، سقوط مصدق و شکست توده‌ای‌ها (همان: ۲۰۳، ۲۹۶ و ۳۲۲)، خودمختاری کردستان (ص ۶۴۶)، فضای شورش‌های خیابانی قبل از انقلاب تا زمان انقلاب (همان: ۴۳۳-۴۳۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۲۷، ۶۰۶، ۷۹۸-۸۰۲، ۸۶۴ و ۸۶۵)، از مهم‌ترین تحولات بافت تاریخی است که در این رمان بازتاب یافته است. براهنی تاریخ را به مثابه گذشته نمی‌انگارد؛ بلکه موفق می‌شود میان تاریخ به عنوان روندی سیاسی و همه‌گیر و گذشته به عنوان امری منجمدشده و دور بی‌خطر، فاصله‌ای ایجاد کند و از این فرایند به هدف متنی‌اش که همان ارائه شمایی از یک تاریخ‌نگاری سیاسی است، دست یابد (براهنی، ۱۳۸۸: ۴۵).

بافت جامعه‌شناسی رمان «رازهای سرزمین من»

رمان رازهای سرزمین من، روایت حضور ارتش آمریکا در ایران است. روایت حضور پررنگ آنان در تبریز و فساد که از جانب ارتش آمریکا در ایران رخ می‌دهد و سلطه آنان بر ارتش ایرانی است. نویسنده، تمام تلاش خود را صرف این مطلب می‌کند که اولاً آمریکا و آمریکایی‌ها (به‌ویژه نظامیان آمریکا) را مردمانی فاسد، متجاوز، بی‌اصل و نسب و... معرفی کند و در کنار آن، حکومت پهلوی و تمام آدم‌های آن را بی‌غیرت، قواد، پاندا، تریاکی، قمارباز، دزد و خلاصه سمبل رذالت و شرارت و غرق در لجن نشان دهد. این مطالب گاه آنقدر بزرگ‌نمایی شده‌اند که خواننده

را به تأمل و تردید وا می‌دارد. این آدم‌ها گاه و بیگاه با هم لواط می‌کنند، زنا می‌کنند و خلاصه هرگونه امری قبیح را مرتکب می‌شوند (براهنی، ۱۳۸۷: ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۲۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۳۶۱-۳۶۴، ۳۶۴ و ۸۱۴). تأکید بیش از حد بر مسئله روابط جنسی شخصیت‌ها و به‌ویژه آمریکایی‌ها و آزادی بی‌حد و مرز آمریکایی‌ها در ایران، در این رمان بسامد فراوانی دارد. یکی از نکات مربوط به بافت اجتماعی - جامعه‌شناختی رمان، مضمون گرگ اجنبی‌کش در همین بخش اول رمان است که نشان‌دهنده نفرت ایرانیان از حضور نظامیان آمریکایی در ایران، در طول تاریخ بوده است.

یکی از نکات برجسته دیگر در بخش دوم رمان، تحلیل اجتماعی رفتارهای تیمسار شادان است که دچار انحراف جنسی و طرفدار دو آتشه آمریکایی‌هاست (همان: ۱۶۹). او حتی در فروش آب و خاک‌کشور خویش چنان منحرف است که حتی حاضر می‌شود زن خویش را به ستوان آمریکایی بسپارد (همان: ۲۲۵-۲۲۶). شاید توصیف بیش از حد مؤلف از شخصیت منحرف شادان، به این دلیل است تا نشان دهد که فساد در بین امرای ارتش و مقامات کشوری و لشکری رواج فراوانی دارد. هر چند میرعابدینی معتقد است که در این رمان «گاه به نظر می‌رسد وسوسه توصیف تجربیات انحرافی جنسی^(۸)، جایگزین افشای وقاحت پنهان در پس ماجراهای تاریخی شده است» (۱۳۸۶: ۱۰۳۲)، می‌توان این حدس را مطرح کرد که فساد جنسی آمریکایی‌ها و نیز فساد جنسی امرای ارتش، بزرگ‌نمایی شده‌اند تا پرده از فساد همه جانبه مقامات ایرانی و رژیم پهلوی برداشته شود.^(۹)

از اواسط جلد اول رمان تا اواخر جلد دوم، بخشی است که «قول حسین میرزا» نام دارد. شخصیتی که ناخواسته با جریان‌ها و حوادث سیاسی و انقلاب اسلامی همراه شده است. این بخش که شامل ۷۴۸ صفحه از رمان است، به دوران زندانی حسین میرزا و گذشته او و وقوع انقلاب و آزادی زندانیان سیاسی مربوط می‌شود. شور و حال روزهای انقلاب در این بخش به تفصیل بیان شده است. این بخش از نظر جامعه‌شناسی اهمیت بسیاری دارد. اینکه این توصیفات از روزهای انقلاب در قالب یک اثر هنری مورد تحلیل قرار گرفته است، با توصیف مستند وقایع انقلاب در یک اثر تحقیقی، برای یک جامعه‌شناس ادبی تفاوت چندانی ندارد، «زیرا جامعه‌شناسی ادبیات صرفاً به دنبال ثبت تاریخی یک واقعه نیست. هدف جامعه‌شناسی ادبیات، تاریخ‌نگاری نیست و از این‌رو به مستند بودن اثر ادبی توجه ندارد. واقعیت بازسازی شده و به عبارتی حتی ساختگی نیز همان حیثیت را برای جامعه‌شناسی ادبیات دارد» (کوثری، ۱۳۷۹: ۱۰۸). او (حسین میرزا) در روزهای منتهی به پیروزی انقلاب از زندان آزاد می‌شود. در واقع او تجسم شخصیت خود نویسنده می‌تواند باشد که پس از سال‌ها ممنوع‌القول بودن در ایران و زندگی در آمریکا به

براهنی می‌گوید: «در مقدمات انقلاب، یعنی اواخر دی برگشتم. خود این دور هم جمع شدن و هیجان ناشی از آن می‌توانست نقاشی به وجود آورد، موسیقی به وجود آورد، شعر به وجود آورد، می‌توانست قصه به وجود آورد، می‌توانست رمان خلق کند. در هیچ مملکتی این نوع توده‌گیری عظیم سابقه نداشته است. حتی انقلاب «چین»؛ حتی انقلاب بلشویک» (براهنی، ۱۳۸۰: ۱۴۸-۱۴۹).

به همین دلیل در زندان، صاحبان همه تفکرات و ایدئولوژی‌ها و مبارزان علیه رژیم هستند. ساواک به هر دلیلی که می‌شد زندان‌ها را پر از مردم می‌کرد، در این میان افراد گوناگونی به دلایل گوناگون زندانی می‌شوند؛ «یکی جزوه خوانده بود، یکی به شاه فحش داده بود، یکی هویدا را مسخره کرده بود، یکی به شاه تیر انداخته بود، دیگری خواسته بود فرح را بدزدد، دیگری داشته تو کوچه راه می‌رفته که ناگهان عوضی گرفته بودندش، دیگری را از قلعه، دیگری را از دانشگاه، دیگری را از مرز، و همین طور تمام یک نسل را» (همان: ۳۷۵-۳۷۶). از دید مؤلف، اینان هر اختلافی که با هم داشته باشند، اینکه دشمن مشترکشان شاه است، باعث می‌شود تا زمانی که در زندان هستند به هم نزدیک باشند؛ اما پس از زندان و آزادی، دوباره اختلاف نظر بینشان پیش می‌آید.

«پس از رهایی از زندان بر اثر سرطان می‌میرد. از زندانیان سابق فقط پنج نفر برای دفن او می‌آیند، اکنون که آزاد هستند، هر کس صاحب یک جهان‌بینی متفاوتی شده است. زندانی‌ها همه تقسیم شده بودند. یک عده نیامدند، چون عبدالله خان به حد کافی ماورای چپ نبود. یک عده نیامدند، چون می‌گفتند عبدالله خان در زندان با توده‌ای‌ها در افتاده بود. یک عده نیامدند، چون می‌گفتند عبدالله خان دوست توده‌ای‌ها بود. یک عده نیامدند، چون می‌گفتند عبدالله خان مذهبی بود. یک عده نیامدند، چون می‌گفتند عبدالله خان مذهبی نبود. یک عده نیامدند، چون می‌گفتند مجاهد نبود، فدایی بود؛ و یا فدایی نبود، مجاهد بود؛ و یا مائونیست نبود؛ و یا طرفدار انور خوجه نبود. یک عده نیامدند، چون می‌گفتند عبدالله خان یک آدم عامی بی‌سواد بود و زندان ابد گرفتن از دست شاه هم نمی‌تواند یک آدم بدشانس را به یک قهرمان تبدیل کند. یک عده نیامدند، چون عبدالله خان ترک بود. یک عده نیامدند بود، چون عبدالله خان، «خان» بود و اگر عبدالله خان زنده مانده بود و بقیه مرده بودند، حتماً سر قبر همه‌شان می‌رفت» (براهنی، ۱۳۸۷: ۳۷۸).

در ادامه سخنان مادر حسین نقل می‌شود که چگونه ممکن است انقلاب به دست کسانی بیفتد که از آرمان‌های انقلاب بویی نبرده‌اند. نقد جامعه‌شناختی این سخن نشان می‌دهد که این سخنان مادر حسین هم سخنان نویسنده است و در واقع نویسنده، اندیشه‌های خود را از زبان او

بیان می‌کند. به خوبی پیداست که این بخش‌ها در رمان، نه برای پیشبرد حوادث رمان بلکه برای تفسیر و توضیح انقلاب از دیدگاه نویسنده است. همچنین بررسی شعارهای گوناگون علیه شاه و حکومت پهلوی نشان می‌دهد که مضمون شعارها همگی بر تنفر از شاه و حمایت از امام خمینی دلالت دارد. نویسنده با آوردن این شعارها از تولد جهان‌بینی تازه‌ای خبر می‌دهد که از عمده‌ترین اصول آن، قیام «مستضعفان» علیه «مستکبران» است. از همین روست که خانه‌های ویلایی شمال‌شهری‌ها در آستانهٔ مصادره شدن به دست انقلابیون قرار می‌گیرد. نویسنده با آوردن شعارهای انقلابی، بریدهٔ روزنامه‌ها، سخنان شخصیت‌های سیاسی و نیز پیام‌های امام خمینی خطاب به ملت ایران، بخش گسترده‌ای از رمان را تبدیل به یک تک‌نگاری واقعی دربارهٔ انقلاب می‌سازد:

«من اینجا با صراحت می‌گویم ای هموطن مارکسیست یا ماتریالیست، لیبرالیست، اگزیستانسیالیست و دیگر ایسم‌ها و ای هموطن مسلمان رزمنده، همه با هم برای مدتی قابل ملاحظه، یک صدا، یک نفس، پیوسته، در ادامهٔ مبارزهٔ ارزنده‌ای که آغاز کرده‌ایم، جلو برویم. روزی که در این خانه، من بودم و تو، تو بودی و من، و آقا بالا سر مزاحم نبود، مطمئن باش با کمال آزادی در فضای پاک از هر نوع سانسور و دیکتاتوری (نه دیکتاتوری تاج، نه دیکتاتوری عمامه و نعلین) بهترین زندگی برادرانه را خواهیم داشت» (براهنی، ۱۳۸۷: ۶۳۹).

شهادت دختری به نام شکوه در جریان تظاهرات علیه رژیم شاه، حادثه دیگری است که حسین میرزا روایت می‌کند. وصیت‌نامهٔ او، شعری از فروغ فرخزاد است و به زیبایی، تمام آرزوها و آرمان‌های نسل او را دربارهٔ آیندهٔ انقلاب نشان داده است؛ آرزوهای نسل و جامعه‌ای که روزی به پیروزی خواهد رسید:

«دستهایم را در باغچه می‌کارم / سبز خواهم شد. می‌دانم. می‌دانم. می‌دانم. / و قناریها / در گودی انگشتان جوهری‌ام / تخم خواهند گذاشت» (براهنی، ۱۳۸۷: ۶۵۳).

نکته قابل تأمل از نظر اجتماعی، بخش‌های پایانی رمان و مرگ فجیع تک‌تک کسانی است که در طول حکومت پهلوی دوم، روابطی مملو از فساد با مقامات آمریکایی داشته‌اند و به ملت خویش همواره خیانت کرده است. بدین ترتیب رمان با عقوبت ستمگران به پایان می‌رسد و آرزوی نسل انقلاب را برآورده می‌سازد.

تحلیل گزاره‌های رمان از نظر تحلیل گفتمانی

با توجه به گستردگی و حجم این رمان در این بخش، مهم‌ترین جنبه‌های سیاسی با توجه به مهم‌ترین شاخصه‌های تحلیل گفتمانی بررسی و تحلیل می‌شود.

دیگرسازی، کینه‌ازلی و مبارزه با حضور آمریکا و

نقد رژیم پهلوی = سوگیری غیرمستقیم به نفع شوروی

یکی از نکات قابل تأمل در این رمان با توجه به الگوی تحلیل گفتمانی، توجه به تقابل‌های برساخته در متن است. یکی از پرسامدترین تقابل‌ها، نشان دادن حضور پررنگ دو جبهه و دو گفتمان غربی (استکبار) و شرقی (استعمار) در ایران آن روز و برتر نشان دادن یکی نسبت به دیگری (آمریکا) است. در این رمان، ورود استعمارگران به ایران و ظلم و ستم و غارت اموال مردم در مقابل افراد خودفروخته‌ای که همه هم‌تشان وطن‌فروشی و خدمت به بیگانگان است، بسیار مورد توجه است. مهم‌ترین ویژگی رمان که در نگاه اول به چشم می‌خورد، جنبه استعمارستیزی آن است که در رمان، یک «اسطوره شر» تلقی شده است که در مقابل آن، افراد این سرزمین با کمک «اسطوره خیر» یعنی «گرگ بیگانه‌کش» سیلان روبه‌رو می‌شود. مهم‌ترین اهداف آمریکا از گسیل مستشاران نظامی خود در ایران، ایجاد تغییر در نظام ارتش برای حفظ منافع سیاسی و نظامی‌اش در ایران و در منطقه خاورمیانه بود. آمریکا در ایران سعی می‌کرد مهار ارتش را به دست گیرد و آن را آنگونه که خود می‌خواهد، سازمان‌دهی کند تا در صورت لزوم از ارتش در راه اهداف استکباری خود استفاده کند. اصولاً رابطه ایرانی‌ها با آمریکایی‌های ساکن در ایران، یکی از اساس‌ترین دغدغه‌های اجتماعی ایران در این سال‌ها بوده است که راوی در این رمان به خوبی به آن پرداخته است و آن را در نحوه رفتار شخصیت‌ها و راویان داستان نمایانده است.

راوی در این رمان، حضور مستشاران نظامی آمریکایی را در ایران به بهانه حفظ مرزهای ایران در برابر تهاجمات ارتش سرخ شوروی می‌داند، در حالی که خود نظامیان آمریکا در ایران از هیچ تحقیری نسبت به مردم و به‌ویژه ارتش ایران ابا نمی‌کنند. نویسنده در این اثر لابه‌لای صحبت افراد، اهداف آمریکا در ایران را برملا و نقد می‌کند و از این طریق، دیدگاه خود را برضد آمریکا و رژیم دست‌نشانده پهلوی بیان می‌کند.

از دیدگاه تحلیل گفتمان، نویسنده در بافت موقعیت متن تضاد در رفتار و منش شخصیت‌های رمان (از جمله سروان آمریکایی و سرهنگ ایرانی؛ سروان آمریکایی و مترجم ایرانی)، اسطوره‌سازی (گرگ اجنبی‌کش) و دیگرسازی‌ای که آمریکایی‌ها نسبت به روس‌ها در بین ایرانیان برای خود ساخته‌اند - که نویسنده در جای‌جای رمان، آن را نقد و با آن مخالفت

می‌کند - مشاهده می‌شود. از جمله اینکه به نظر نویسنده سروان کرازلی را خود آمریکایی‌ها کشته‌اند، تا به بهانه نزدیکی محل واقعه به خاک شوروی، در ایران پایگاه‌هایی علیه شوروی درست کنند (براهنی، ۱۳۸۷: ۱۷۹). مهم‌ترین مورد این دیگرسازی که نویسنده آن را نقد می‌کند، گفتگوی حسین با سروان کرازلی است که نویسنده از زبان حسین آن را نقد می‌کند:

«سروان کرازلی می‌گوید: حقوق مرا دولت ایران می‌دهد. خرج عشق‌بازی مرا هم دولت ایران می‌دهد. حسین گفت: پس در واقع دولت ایران برای تو زن هم می‌آورد. سروان خندید: در عوض ما از تمامیت ارضی ایران در برابر هجوم همسایه شمالی دفاع می‌کنیم. (حسین گفت) پس در واقع برای جلوگیری از کمونیسم، ما باید به شما پول بدهیم تا با زن‌هایمان بخوابید، قوت قلب پیدا کنید و از ما دفاع کنید. (سروان گفت) اشتباه می‌کنی دفاع را هم نمی‌کنیم، شما می‌کنید. ما شما را آماده می‌کنیم تا از خودتان دفاع کنید. شما صف مقدم ارتش رهایی‌بخش آمریکا هستید. مترجم فکر کرد: پس برای راندن شبخ کمونیسم، ما باید به قوادی هم تن بدهیم؛ ولی حرف نزد. سروان ادامه داد: تصورش را بکن حسین. اگر ما از شما دفاع نمی‌کردیم و یا شما را برای دفاع از خودتان آماده نمی‌کردیم، چی می‌شد؟ (حسین گفت) چی می‌شد؟ (سروان گفت) جنگ می‌شد. روس‌ها یک روزه می‌رسیدند تهران. در عوض چند روز دیگر می‌رسیدند به خوزستان و خلیج فارس. اسم خلیج فارس را عوض می‌کردند، می‌گذاشتند دریاچه لنین... آن وقت می‌دانی چه می‌شود؟ دنیا سرد و تاریک می‌شود. تمدن اروپا در عرض چند سال برهوت می‌شود. (حسین گفت) پس در واقع شما ما را آماده می‌کنید، تا ما از خودمان دفاع کنیم تا تمدن اروپا در عرض چند سال برهوت نشود؟ (سروان گفت) بله کمونیسم همچو بلایی است. روس‌ها وقتی که بیایند اول کاری که می‌کنند، زن‌ها را اشتراکی می‌کنند. (حسین گفت) پس در واقع بین آمدن روس‌ها و آمریکایی‌ها فرق چندانی نیست. (سروان گفت) آنها کمونیست هستند حسین. می‌فهمی؟ ما کمونیسم نیستیم، ما به خدا اعتقاد داریم» (براهنی، ۱۳۸۷: ۷۹-۸۰ و نیز برای مشاهده موارد مشابه این مورد ر.ک، همان: ۱۷۸، ۱۹۲، ۲۰۷ و ۲۴۶).

گونه دیگر تقابل نویسنده با آمریکایی‌ها، صحنه اعتراف‌گیری آمریکایی‌هاست که اگر کسی اعتراف نکند و تسلیم نشود، به او انگ کمونیستی و ضد شاهی می‌زدند (همان: ۲۰۷). نویسنده از لحاظ اجتماعی، رژیم حاکم را نقد می‌کند و معتقد است، آمریکا از طریق افراد فاسد و از خود بیگانه وارد ایران می‌شود:

«... در اعماق شب داشتم به رازهایی دست پیدا می‌کردم که از خود این شب ابتدایی مرموزتر بود. این چه نوع خانواده‌ای بود؟ به نظر می‌رسید که خانواده عمیقاً فاسد بود؛ ولی یک حقیقت هم بود: جز از طریق خانواده‌ای به این فاسدی، ارتش آمریکا نمی‌توانست در این کشور نفوذ خود را حفظ کند» (براهنی، ۱۳۸۷: ۲۲۵ و ر.ک، همان: ۲۲۶-۲۲۷).

نویسنده، هدف آمریکا را در ایران حفظ موقعیت آمریکا می‌داند، تا زمانی که خودشان در ایران نیستند، حقوق و مزایایشان حفظ شود. برای نمونه آنان سعی دارند با فرستادن هوشنگ به آمریکا و تعلیم دادن به او، حافظی برای خود در ایران درست کند.

«دولت آمریکا تو را تعلیم می‌دهد. ایران دو سه هزار کیلومتر مرز با شوروی دارد. لازم است اشخاصی از خود منطقه در خدمت ما باشند تا بفهمیم در مرزها چه اتفاقی می‌افتد. ایران موقعیت استراتژیکی فوق‌العاده‌ای دارد. کلید نفت خاورمیانه است. ما که تا ابد نمی‌توانیم در این مملکت مستشار داشته باشیم، فردا ممکن است وضع عوض شود و آمریکایی‌ها از ایران بروند... ما اشخاصی می‌خواهیم از خود محل، از خود منطقه، که موقعی که از اینجا رفتیم، کاری را بکند که اگر خود ما اینجا بودیم، می‌کردیم. درواقع این نوعی سفارت زیرزمینی برای حفظ منافع دولت ماست» (همان: ۲۲۸).

از دیدگاه تحلیل‌گفتمان، هدف نویسنده در توصیف موقعیت آمریکا در ایران، مقابله با عصمت دریده‌شده ایرانی است که از سوی آمریکایی‌ها روی داده است. این ویژگی را در سلطه ارتش آمریکا بر ارتش ایران و موقعیت مسلط آمریکا در ایران (همان: ۲۳۱ تا ۲۳۴ و ۲۴۰) و خود برتربینی آمریکایی‌ها و تحقیر کردن مردم (همان: ۲۴۸ و ۲۶۴) می‌توان مشاهده کرد.

مهم‌ترین جنبه ایدئولوژیک نویسنده در برابر آمریکا و مقابله کردن با آنان را در بخش «قول سرهنگ جزایری» می‌توان مشاهده کرد که نماد یک ایرانی است که در مقابل آمریکایی‌ها به هرگونه‌ای تحقیر شده است. در این بخش یکی از گروه‌بانهایی که سروان کرازلی را از بین برد، به سرهنگ جزایری می‌گوید که کرازلی شخصیت تو را و همه ما را تحقیر کرده است و باید او را از بین برد (همان: ۲۲۸) و در ادامه، یکی دیگر از گروه‌بانه‌ها معتقد است که ما به هرگونه‌ای در مقابل آمریکایی‌ها خوار و حقیر شدیم و باید مانند گرگ اجنبی‌کش، انتقام آدم‌هایمان را بگیریم. «ایدئولوژی ما، ایدئولوژی گرگ اجنبی‌کش است. ما انتقام زمین‌ها و آدم‌هایمان را می‌گیریم»

(همان: ۲۸۹).

از اینجاست که نقش گرگ اجنبی‌کش که مبین نگرش ضد آمریکایی نویسنده است، در رمان برجسته می‌شود. نویسنده، مهم‌ترین و بیشترین عامل را در سلطه بیگانگان بر این سرزمین، حکومت دست‌نشانده پهلوی می‌داند.^(۱۰)

کینه نویسنده نسبت به آمریکا و خاندان پهلوی که مطیع آنان هستند، در سراسر رمان، در گفتگوهای شخصیت‌ها پیداست. چیزی که در کل رمان آشکار است، همانا کینه‌ای است که نویسنده در دل نهفته دارد و کتاب یکم از جلد اول یا همان اول داستان را با همین عنوان شروع کرده است. «کینه ازل»، کینه و عقده‌ای که نویسنده به حکومت، آدم‌ها، خاندان و خانواده پهلوی، به‌ویژه پهلوی دوم در قلب و جان خویش پرورانده و گویا همیشه آن را عزیز می‌داشته است. (براهنی، ۱۳۸۸: ۴۵)، چاشنی اصلی و نیروی محرکه واقعی تألیف این رمان سترگ بوده است. (براهنی، ۱۳۸۷: ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۸۵-۲۸۹ و ۳۸۳).

بازتاب اندیشه‌های سوسیالیسم

یکی دیگر از نکات قابل تأمل در این رمان با توجه به الگوی تحلیل گفتمان انتقادی، به موازات تقابل‌های برساخته میان دو گفتمان غربی (استکبار) و شرقی (استحمار) و دفاع از حضور یکی و نقد و رد حضور دیگری، بازتاب اندیشه‌های سوسیالیستی و دکتترین حزب توده در رمان و جنب‌داری مؤلف از آن است که در سه سطح توصیف، (بافت متن، در کاربرد واژگان و جملات)، تفسیر (بافت موقعیت، تأکید بر فعالیت حزب توده و مارکسیست‌ها) و تبیین (ایدئولوژی نویسنده، دفاع از اندیشه‌های سوسیالیسم) مشاهده می‌شود.

یکی از حزب‌های تأثیرگذار در سده اخیر، حزب توده است که در عرصه ادبیات، زمینه‌ساز پیدایش ادبیات مارکسیستی در ایران شد و نویسندگان وفادار به آرمان‌های این حزب، از قالب داستان برای تبلیغ آرا و عقاید خویش بهره جسته‌اند. این حزب بیشتر از دیگر احزاب برای پیشبرد اهداف خود، از ابزارهای تبلیغاتی سود برد که یکی از آنها، رمان بود. تاریخ فعالیت حزب توده در ایران در سه مرحله قابل توجه بوده است. مرحله نخست، تأسیس حزب کمونیست در سال ۱۲۹۹ و آخرین فعالیت آن در زمان رضاخان با گروه ۵۳ نفر و قانون منع فعالیت مارکسیسم در ۱۳۱۰؛ مرحله دوم، توسعه مارکسیسم بین ۱۳۲۰-۱۳۳۲ و مرحله سوم، فعالیت از ۱۳۲۰-۱۳۶۱ بوده است (ر.ک: سیاست و سازمان حزب توده، ۱۳۷۰).

دولت حاکم در هر دوره از ادوار سه‌گانه یاد شده نیز برای مبارزه با این طیف، عده‌ای را اعدام و برخی را زندانی، تبعید و ترور کرد. با توجه به تأثیر این جریان‌های سیاسی بر رفتارهای سیاسی و اجتماعی مردم و تعامل سیاست با فعالیت‌های هنری و ادبی این دوره، یکی از راه‌کارهای مقابله رژیم با این جریان‌ها و حوادث سیاسی منشعب از آن، برخورد قهرآمیز و تند بوده است. بر این

اساس عده‌ای از نویسندگان این دوره (قبل از ۱۳۵۷) در جریان رویدادها و کنش‌ها و فعالیت‌های حزبی در زندان و تبعید بودند که همین تجربه در سال‌های پس از انقلاب منجر به خلق و بازآفرینی این جریان‌ها در قالب رمان و داستان شده است که از آن به «ادبیات زندان» تعبیر می‌شود.

رضا براهنی یکی از نویسندگانی است که عقاید سوسیالیستی دارد و در آثارش از این عقاید دفاع کرده است. او معتقد است: «چپ باید به استقلال خویش بیندیشد، باید حزبش را بسازد. حزب واقعی چپ را» (براهنی، ۱۳۵۸: ۱۴۵). خرافات‌ستیزی گسترده، تعریض به شماری از عملکردهای هنجارگسیخته در رفتار دین‌داران دغل‌باز، بی‌اعتقادی به نذر و نیاز و دعا و زیارت، اهمیت دادن به عمل و پویایی، اعتقاد به آرمان‌شهر، خط‌کشی دقیق بین حق و باطل و چهره‌گریه از باطل نشان دادن، کینه انقلابی را در درون شخصیت‌ها و مخاطبان پرورش دادن، تأکید بر تضاد طبقاتی، امیدآفرینی و خوش‌بینی به آینده، اهمیت دادن به آموزش‌توده‌ها، اعتقاد به مبارزه مسلحانه، نمای درشت دادن به بی‌دریغ بودن‌ها و فداکاری کردن‌ها، جانب‌داری از برادری و برابری، جدیت بیش از حد و بی‌رغبتی به موضوعات غنایی و فکاهی، بخشی از آموزه‌های ایدئولوژیک این نوع ادبیات است که می‌توان یک به یک آنها را در رمان رازهای سرزمین من مشاهده کرد (شیری، ۱۳۸۷: ۹۸).

براهنی در این رمان با توجه به اهمیت نقش چریک‌ها در شکل‌گیری انقلاب اسلامی و اینکه بیشترین نقش را چریکی‌ها داشتند، به این موضوع پرداخته است. وی هدفش از ادبیات را مبارزه با استبداد و خفقان و نیز بیداری و آگاهی‌بخشی به مخاطبان خویش قرار داده است. ابراهیم حسن‌بیگی معتقد است رضا براهنی در رمان رازهای سرزمین من، هدفی جز تبلیغ برای اندیشه‌ی مارکسیست‌ها و ایدئولوژی مارکسیستی ندارد. از نظر او جست‌وجوی حسین میرزا برای یافتن تهمینه ناصری، جست‌وجوی رضا براهنی است برای رسیدن به مارکسیسم. تهمینه ناصری نیز تجلی ایدئولوژی چپ است:

«او به‌عنوان تجلی ایدئولوژی چپ، در داستان مطرح می‌شود. لذا می‌بینیم که گاهی اوقات به انسان بودن تهمینه، شک می‌کنیم. تهمینه عینیت‌یافته سوسیالیسم مورد نظر براهنی است. ایدئولوژی‌ای است که برای خودمختاری کردستان، قبل از پیروزی انقلاب نقشه‌ها می‌کشد و راه ائتلاف گروه‌های سیاسی چپ در کردستان را هموار می‌سازد و بر کسی پوشیده نیست که این ائتلاف بزرگ، چه مصیبت‌هایی را برای حکومت جمهوری اسلامی به وجود آورد و چگونه صداها جوان بی‌گناه مظلوم و مستضعف این ملت رنج‌دیده را به خاک و خون غلتاند» (حسن‌بیگی، ۱۳۶۷:

حسن‌بیگی همچنین حسین میرزا را که در رمان همواره در جست‌وجوی تهمینه ناصری است، یک چپ‌گرا معرفی می‌کند. «حسین، خود یک نیروی چپ است. او مبلغ این اندیشه است. او با قرار دادن معیارهایی برای ایدئولوژی خود، هر نوع ایدئولوژی دیگر را مردود می‌داند و حتی انقلاب را محکوم به شکست می‌داند. مگر اینکه انقلاب خودش را با آن اندیشه وفق دهد و تیلور عینی این اندیشه، تهمینه ناصری است. حسین نیز پیرو و عاشق این اندیشه است» (حسن‌بیگی، ۱۳۶۷: ۹۸). او همچنین گرگ اجنبی‌کش را سمبل یک جریان ضد امپریالیستی می‌داند:

«گرگ اجنبی‌کش، سمبل یک جریان ضد امپریالیستی است و این جریان چیزی جز «چپ» نیست. از طرفی حضور گرگ در داستان، رابطه تنگاتنگی با حضور تهمینه ناصری دارد. هر جا که تهمینه ناصری باشد، گرگ می‌رود و هر وقت که او نباشد، گرگ باز می‌گردد» (همان: ۹۴).

در رمان رازهای سرزمین من، شواهدی فراوان از گرایش براهنی به اندیشه‌های سوسیالیستی و ادبیات حزبی وجود دارد. توجه به طبقه کارگر و وضع زندگی این طبقه در رمان آشکار است (براهنی، ۱۳۸۷: ۳۲۹، ۳۳۰ و ۴۸۱). نویسنده، اهمیت حرکت جمعی را نشان داده و بر آن تأکید کرده است. نمونه این حرکت را در اعدام مستشار آمریکایی به وسیله گروهان‌های ایرانی می‌توان دید (همان: ۲۲۸) و حتی به صراحت از زبان شخصیت‌های داستان درباره آن بحث شده است:

«دکتر می‌گفت مردم مثل یک جنگل هستند، یک درخت را می‌توان با درخت زد و انداخت؛ ولی هیچ‌کس نمی‌تواند جنگل را بزند و بیندازد. هیچ‌کس این قدرت را ندارد. پس باید قدرتی مثل قدرت جنگل داشت؛ برای زنده ماندن نمی‌توان فقط به زندگی تکیه کرد. باید به زندگی دیگران هم تکیه کرد. باید جزیی از جنگل بود. به دلیل اینکه جنگل، تقریباً همیشه دست‌نخورده باقی می‌ماند» (براهنی، ۱۳۸۷: ۹۸).

براهنی در «رازهای سرزمین من» و در زمان انقلاب، حرکت‌های مردمی را عامل اصلی می‌داند و بر آن تأکید کرده است (براهنی، ۱۳۸۷: ۵۲۸، ۶۰۶، ۸۰۲ و ۸۶۴).

تقابل گفتمانی نویسنده با گفتمان حاکم

(بحران، بی‌سامانی، سرگردانی، دستگیری و زندان ≠ ثبات و آرامش)

یکی از نکات تأمل‌برانگیز در این رمان، با توجه به الگوی تحلیل گفتمانی و بررسی تقابل‌های گفتمانی، به موازات تقابل‌های برساخته میان دو گفتمان غربی (استکبار) و شرقی (بازتاب اندیشه‌های سوسیالیستی و دکترین حزب توده)، تقابل برساخته مؤلف از گفتمان حاکم (بحران و بی‌ثباتی) و گفتمان مقابل آن (جزیره ثبات بودن ایران) است که این مسئله بعدها در رمان مشهور بیست و هفتمین دانشور (جزیره سرگردانی) نیز به صورت بارزی نشان داده شده است. نویسنده

این رمان خود نیز یادآور می‌شود که در عصری می‌زیسته که عصر اوج و حسیض‌های بزرگ است؛ عصری است که در آن آزادی و انقلاب، جنگ و صلح، آوارگی و مرگ و امید به ناپدید شدن آوارگی و مردگی، مهم‌ترین جلوه‌های خود را نشان داده‌اند (براهنی، ۱۳۸۷: ۱۲۶۴). مضامین و درون‌مایه‌های این رمان را نیز همان‌گونه که از نامش پیداست، این تحولات شکل داده‌اند.

در بحث درباره‌ی بافت جامعه‌شناسی رمان نشان داده شد، جهانی که در رمان رازهای سرزمین روایت می‌شود، به قول حسین میرزا «بحرانی‌ترین حیات تاریخی این مملکت است» (همان: ۳۶۴). نویسنده در مقابل گفتمان حاکم که ایران آن روز را «جزیره‌ی ثبات» می‌نامید، فضای زندان، دستگیری‌ها، کشتارها، اعتصاب‌ها، تظاهرات، مخالفت‌ها و... را در جای‌جای رمان نشان داده است، تا با این گفتمان مقابله کند.

«هر کسی با داستان‌های خودش وارد زندان می‌شد و پس از آنکه شوک اولیه‌اش برطرف می‌شد، هی می‌گفت میدان اراک، دروازه‌ی غار، تو راه جلفا، بندرعباس، خرمشهر، قوچان دستگیرم کردند. پدر سوخته‌ها بدجوری زدند و بعد اقرار گرفتند. دو نفر را کشتند، سه نفر را کشتند، یازده نفر را کشتند، هشت نفر را پانزده سال دادند، یازده نفر را دوازده سال دادند. توده‌ای‌ها بعضی‌شان در زندان بودند، بعد از چهل و یک، عده‌ای مصدقی را آوردند و بعد دسته‌دسته آدم‌های پانزده خرداد را و بعد دسته‌دسته دانشجو و روشنفکر و معلم و دبیر و کارمند جوان را به جرم اینکه عضو این سازمان یا آن سازمان زیرزمینی هستند و بعد نویسنده‌ها را یک‌یک و بعد زن‌ها را و بعد مذهبی و غیرمذهبی و قر و قاطی» (همان: ۳۶۱).

نویسنده تضاد گفتمانی را در چگونگی برخورد با افراد، اینگونه شرح کرده است:

«یکی جزوه خوانده بود، یکی به شاه فحش داده بود، یکی هویدا را مسخره کرده بود، یکی به شاه تیر انداخته بود، دیگری خواسته بود فرح را بدزد. دیگری داشته تو کوچه راه می‌رفته که ناگهان عوضی گرفته بودندش؛ دیگری را از قلعه، دیگری را از دانشگاه، دیگری را از مرز، و همین طور تمام یک نسل را. یکی مانیفست خوانده بود؛ دیگری بیانیه‌ی جبهه‌ی ملی سوم را؛ سومی با چماق زده بود تو سر یک سرباز در پانزده خرداد؛ چهارمی روضه خوانده بود و حکومت دیده بود تصویری که از شمر ذی‌الجوشن و ابن‌ملجم و ابن‌زیاد و یزید و معاویه می‌دهد به ترتیب ثابتی، نصیری، هویدا، محمدرضا شاه و رضا شاه است؛ پنجمی، نصف‌شب یک پاکت گه را پرت کرده بود طرف مجسمه‌ی رضا شاه؛ ششمی به نیکسون سنگ پرانده بود؛ هفتمی شاهد شکنجه شده بود و باید شکنجه می‌شد تا جایی شهادت ندهد؛ هشتمی شعر

گفته بود؛ نهمی تئاتر نوشته بود؛ دهمی روی دیوار شعار نوشته بود؛ و نفر پنج‌هزار و پانصد و سی و چهارم، اعتصاب به راه انداخته بود و اعتصاب هم به طور کلی، همیشه خدا، در هر حکومتی خلاف مصالح مملکتی بود و اصلاً خلاف شئون ملت ایران. آخر مردم چه می‌گویند؟ مردم اینجا که معلوم است چه می‌گویند؟ ولی منظور، مردم کشورهای آزاد متمدن است. بالاخره ما یک جزیرهٔ ثبات هستیم در دنیایی سراسر بحران زده، اعتصاب‌زده، به‌ت‌زده. همه دنیا که گه گیجه گرفته بود. فقط مردم ایران که گه گیجه نگرفته بودند، یک عده‌ای را برای تاج‌گذاری گرفته بودند، یک عده را برای جشن‌های دو هزار و پانصد ساله، یک عده را به خاطر اینکه موقع شنیدن سخنرانی شاه خنده‌شان گرفته بود، یک عده را برای اینکه طنز بلد نبودند، یک عده را به خاطر اینکه جدی بودند. در واقع همه را، حتی آنهایی را که با هم مخالف بودند و اگر به حال خودشان می‌گذاشتند حتماً یکدیگر را در عرض چند ساعت تیرباران می‌کردند، قلع و قمع کرده بودند» (براهنی، ۱۳۸۷: ۳۶۱-۳۶۲).

نویسنده در این بخش با استفاده از طنز سیاسی، در تضاد با گفتمان حاکم، اوضاع نابسامان ایران را در این سال‌ها نشان داده است. مضامین و درون‌مایه‌های دیگر چون شورش (ص ۳۶۲)، نابسامانی (ص ۳۶۳)، سانسور و خبرسازی دروغ (ص ۳۷۵)، بی‌هویتی (ص ۴۲۸)، سانسور (ص ۵۹۲)، فساد دربار (ص ۱۱۳۳)، کشتار بی‌گناه مردم (ص ۱۲۴۴) و... درون‌مایه‌هایی است که اندیشهٔ حاکم را نقد کرده است.

نگرش نویسنده دربارهٔ انقلاب اسلامی

(پیروزی اسطوره‌های خیر بر اسطوره‌های شر)

یکی دیگر از نکات تأمل‌برانگیز در این رمان با توجه به الگوی تحلیل گفتمانی، توجه نویسندهٔ رمان به اسطوره‌های برساخته (خیر و شر) با توجه به پیروزی انقلاب در سال ۱۳۵۷ است. براهنی در رمان ضمن اینکه به گونه‌ای مستند، جریان انقلاب اسلامی را روایت کرده است (همان: ۸۶۴-۸۶۷)، مهم‌ترین انگیزه در انقلاب را حرکت مردمی آن می‌داند و معتقد است تا موقعی که مردم در خیابان هستند، هیچ نیازی به اسلحه نیست (همان: ۹۰۲). او ریشهٔ اصلی انقلاب و سقوط سلطنت را در مصاحبهٔ ۱۳۵۷/۰۲/۰۶، طبقه کارگر می‌داند که به حرکت درآمد (براهنی، ۱۳۵۸: ۲۰۱). همچنین معتقد است نیروهای چپ، نقشی عمده در انقلاب داشتند و آنان نیز شعارهای مذهبی می‌دادند. از این‌رو شعارهای یکدست مذهبی مردم در زمان انقلاب نمی‌تواند بر ماهیت اسلامی انقلاب صحه گذارد (حسن‌بیگی، ۱۳۶۷: ۱۱۶-۱۲۳).

«پیش از انداختن کوکتیل به ما هشدار بدهند. چه جوری؟ مرتضی گفت بگویند
الله اکبر و یک دقیقه بعد کوکتیل‌ها را بریزند. - تو آدم مذهبی هستی؟ هان؟/
مرتضی گفت: حالا کجایش را دیدی؟ / - از شوخی گذشته، مذهبی هستی؟ / - بابا
این شعار بزرگتری شعار روز و شب مردم تهران است. مذهبی و غیرمذهبی همین
شعار را می‌دهند» (براهنی، ۱۳۸۷: ۹۴۸).

شخصیت‌های رمان سرانجام در جریان انقلاب، فرجام خویش را می‌بینند. از اینجاست که بُعد
اسطوره‌های رمان برجسته می‌شود و اینکه به شهادت تاریخ، اسطوره‌های شر که تیمسار شادان،
هوشنگ، سودابه و ماهی است، به سرانجام بد خود می‌رسند. بهروز شیدا، ترکیب اسطوره و تاریخ
و سرانجام بد اسطوره‌های شر را در این رمان اینگونه شرح می‌دهد:

«در جهان رازهای سرزمین من، آینده نه توسط وقایع تاریخی که توسط
ماجراهایی پیش‌بینی می‌شود که ابعادی اسطوره‌ای دارند؛ توسط قصه گرگ
اجنبی‌کش که قزاقان روس و افسرانی آمریکایی را می‌درد و توسط گروه‌بانی‌هایی
که با کشتن سروان کرازلی، از دیوارهای پادگان و شهر خویش می‌گذرند، زمان
تاریخی را پشت سر می‌گذارند و به جهان اسطوره‌ها وارد می‌شوند؛ جهان نمونه‌های
ماندگار... . جان که محدوده پذیرش درک اسطوره‌ای نیز هست، نیازهای غریزی را
کنترل می‌کند، پاره‌ای را بی‌پاسخ می‌گذارد و پاره‌ای را از منظر خویش برمی‌آورد.
در این درک شبه‌عرفانی، هیچ عنصر شری بر صحنه هستی مطلق نمی‌شود، مگر
آنکه در قلمرو غریزه اسیر بماند. اسطوره‌های شر رازهای سرزمین من، به‌تمامی
تبلور لجام‌گسیختگی قلمرو غریزه‌اند. تیمسار شادان به هوشنگ تجاوز کرده است.
با گماشتگانش رابطه جنسی دارد، با ستوان بلتیمور، معشوق زنش می‌خوابد و
هوشنگ از تسلیم خویش به ستوان بلتیمور ابایی ندارد. اسطوره‌های شر رازهای
سرزمین من، غایت‌گرایی تاریخ را انکار می‌کنند، جهان اسطوره‌ها را باور ندارند،
اسیر قلمرو غریزه‌اند و هستی خویش را در تقابل با کلیت آرمانی معنا می‌کنند. هم
از این‌روست که تاریخ آنها را به جهان اسطوره‌های اهریمنی یعنی به جهان
نمونه‌های شر مطلق پرتاب می‌کند» (۱۳۸۷: ۱۳۰۱-۱۳۰۳).

حضور آمریکا در ایران که در این رمان به یک اسطوره شر تبدیل شده است نیز در نهایت با
تلاش مردم این سرزمین و حضور کینه‌زلی نابود می‌شود. شخصیت‌های متعدد رمان سرانجام در
آیین انقلاب سال ۱۳۵۷، فرجام خویش را به چشم می‌بینند.

رازهای سرزمین من، یک دوران تاریخی را در قالب ستیز اردوهای خیر و شر به صحنه می‌آورد و شخصیت‌هایی چون حسین میرزا، سرهنگ جزایری، ماهی، تهمینه، ابراهیم آقا، حاج گلاب، تیمسار شادان و هوشنگ را تبدیل به ابزار این پیام اسطوره‌ای می‌کند که پیروزی خیر بر شر حتمی است. یزدانی خرم معتقد است که براهنی به انقلاب اسلامی به عنوان یک «ابر روایت» نگاه می‌کند که توجیه و دلیلی برای دیده شدن و درک خرده روایت‌هاست (یزدانی خرم، ۱۳۸۷: ۱۳۰۵).

چنانکه برخی از منتقدان معتقدند، نویسندگان در این رمان با تصرف استادانه‌ای که در واقعیت مرده کرده است، آن را تبدیل به یک دادگاه آیینی به قصد افشای رازهای سرزمین رنج‌دیده ایران کرده است و طرح ملی انسان، انسان شقه‌شده‌ای که از تابوت رنج‌ها برخاسته و با نعره شادی، اسطوره حضور خود را بر زمین اعلام کرده است و با شجاعتی نیک‌دلانه بر فضیلت‌های جاودانی انسان تأکید می‌کند (رادی، ۱۳۶۷: ۲۹). با توجه به این سطح از تحلیل متن (تبیین) باید گفت که مؤلف این رمان بزرگ، انقلاب ۱۳۵۷ را ابرروایتی فرض می‌کند که جریان‌ها و روایت‌های مختلف به آن ختم شده است.

نتیجه‌گیری

رمان رازهای سرزمین من، همان‌گونه که نویسنده رمان معتقد است، دیدگاه‌های نویسنده را درباره مسائل تاریخ معاصر از اوایل دهه سی تا پیروزی انقلاب نشان می‌دهد و «حدیث حیرانی» او در قبال این مسائل است (براهنی، ۱۳۸۰: ۱۶۵-۱۶۶). نویسنده از دیدگاه خود به شرح و تفسیر و تحلیل وقایع می‌پردازد. درباره تحولات و علل و اسباب آن می‌اندیشد و اندیشه‌اش را بر خوانندگان عرضه می‌کند و از آنها نیز می‌خواهد که درباره این وقایع بیندیشند. به همین دلیل ارزش هنری و تحلیلی این اثر، هر دو اهمیت دارد. رمان، راویان مختلفی دارد و چندصدایی^۱ است. از دیدگاه تحلیل گفتمان انتقادی، نگرش‌های سیاسی نویسنده را در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین در این رمان می‌توان اینگونه شرح کرد: در سطح توصیف، نویسنده با استفاده از اسم‌سازی در نام رمان (رازهای سرزمین من)، اسطوره‌سازی (اسطوره گرگ اجنبی‌کش) و جنبه نمادین آن، هم‌نشینی و هم‌آبی واژگانی (در ذکر طبقه کارگر، اعتراضات جمعی و...)، دیگرسازی، تضاد و تقابل بین شخصیت‌های اصیل ایرانی و افراد خودفروخته و آمریکایی‌ها و تضاد واژگانی، نگرش‌های ایدئولوژیک خود را بیان کرده است.

علاوه بر این، روایت‌های مختلف در *رمان*، بازجویی‌ها، دستگیری‌ها، کشتارها، اعدام‌ها، تظاهرات خیابانی و جریان‌های حزبی، در کنار هم نوعی هم‌نشینی واژگانی را ایجاد کرده است که نویسنده سعی دارد از این طریق، دیدگاه خود را دربارهٔ فضای بحرانی و اغتشاش و ناآرامی سال‌های پس از کودتای ۲۸ مرداد تا انقلاب اسلامی ایران در بهمن ۱۳۵۷ را نشان دهد. فساد دربار پهلوی در *رمان*، در شخصیت افرادی سراسر بی‌غیرت، قواد، پانداز، قرمساق، اهل لواط، تریاکی، قمارباز، دزد و خلاصه سمبل رذالت و شرارت و غرق در لجن نشان داده می‌شود. این هم‌نشینی واژگانی در توصیفات رئالیستی نویسنده از زندگی طبقهٔ محروم جامعه، به‌ویژه شخصیت حسین تنظیمی و توجه به قیام خودمختار فرقهٔ دموکرات آذربایجان و کردستان و نقد نگرش آمریکا دربارهٔ شوروی، اندیشه‌های سوسیالیستی را در *رمان* برجسته می‌کند. علاوه بر شخصیت حسین تنظیمی، تهمینه ناصری، یکی دیگر از شخصیت‌های *رمان* است که از این نگرش حمایت می‌کند.

از نظرگاه تحلیل گفتمان انتقادی در بخش تفسیر، از دیدگاه بینامتنی و کاربرد روایت‌ها در متن به عنوان گفتمان‌های جاری و شرح ماجراها، *رمان* رازهای سرزمین من کاملاً در تعامل با تحولات اجتماعی شکل گرفته است. جریان‌های گفتمانی چون کودتای ۲۸ مرداد، حزب توده و قیام خودمختار مردم آذربایجان و کردستان، حضور پیرنگ استعمار آمریکا در ایران و سلطهٔ آنان بر ارتش ایران و تحولات انقلاب اسلامی، مهم‌ترین جریان‌ها و ماجراهایی است که در *رمان* مورد توجه نویسنده قرار گرفته است که هماهنگی و همسازي با بافت متن را دارد.

از دیدگاه تحلیل گفتمان انتقادی در بخش تبیین و توجه به دیدگاه‌های ایدئولوژیک نویسنده از این کاربردها (یعنی استفاده از این واژگان و توصیف‌ها در بافت متن و بازتاب جریان‌های گفتمانی سال‌های پس از کودتای ۲۸ مرداد تا بهمن ۱۳۵۷)، اینگونه تحلیل می‌شود که نویسنده در این *رمان* ابتدا با طرح اولیهٔ کینهٔ زلی، مخالفت خود را با حضور آمریکایی‌ها در ایران نشان داده است و از این طریق رژیم پهلوی را نقد می‌کند و معتقد است که آمریکا از طریق این افراد فاسد که بسیاری از شخصیت‌های *رمان* را در برمی‌گیرد، وارد این سرزمین شده است. به همین دلیل بسیاری از شخصیت‌های *رمان*، افرادی فاسد و مبتذل هستند که به هیچ‌یک از اصول اخلاقی پای‌بند نیستند. ایدئولوژی آمریکا از حضور در ایران را نقد می‌کند و معتقد است که آمریکا در ایران به ظاهر خود را حافظ منافع مردم و ملیت ارضی ایران می‌داند؛ ولی در باطن به دنبال غارت اموال این سرزمین است و در این راه برای رسیدن به هدفش هر کاری می‌کند. «گرگ اجنبی‌کش» و رفتارش با آمریکایی‌ها، مهم‌ترین نمادی است که ایدئولوژی نویسنده را در مقابله با حضور آمریکا در این سرزمین برجسته کرده است.

در این بخش باید دید که آیا نویسنده، گفتمان حاکم را می‌پذیرد یا اینکه از متن نوشتاری به عنوان بخشی از مبارزه اجتماعی استفاده کرده است. نویسنده در رمان از یک پادگفتمان در مقابل گفتمان حاکم که ایران را «جزیرهٔ ثبات» می‌نامید، استفاده کرده است و با نشان دادن بی‌هویتی و تحقیر مردم ایران و به‌ویژه سلطهٔ ارتش آمریکا بر ارتش ایران و اغتشاشات و ناآرامی‌های بعد از کوتای ۲۸ مرداد، با اندیشهٔ جزیرهٔ ثبات مخالفت می‌کند و از این متن به عنوان مخالفتی با این گفتمان استفاده کرده است. نویسنده در این رمان از ایدئولوژی‌های سوسیالیسم دفاع می‌کند و معتقد است که مهم‌ترین عامل برای مقابله با استعمار آمریکا، حرکت دسته‌جمعی است و از این‌رو بر مبارزهٔ مسلحانه تأکید می‌کند؛ ولی مهم‌ترین اسلحه را حرکت دسته‌جمعی مردم می‌داند. در پایان نیز معتقد است در انقلاب اسلامی ایران همین حرکت دسته‌جمعی است که به پیروزی خیر بر شر می‌انجامد. نویسنده معتقد است که عظمت حوادث زمان ما، سرنوشت شکل‌ها و قطرهای کتاب ما را مشخص می‌کند و در واقع نویسندگان اصلی این رمان، همان‌هایی هستند که الگوی زندگیشان، کابوس‌ها، آرزوها، رؤیاهای، امیدها و سرگذشت‌هایشان، الهام‌بخش هستهٔ اصلی این کتاب است.

پی‌نوشت

۱. با توجه به مجموعه این آثار می‌توان گفت رمان سیاسی، بازآفرینی تحولات، رویدادها و اندیشه‌های سیاسی در قالب داستان و بازپرداخت یک جریان سیاسی در برهه‌ای خاص از تاریخ یک کشور در حوزهٔ نهادهای سیاست، اقتصاد، حقوق و... یک جامعه است که موضوعاتی چون شکنجه، زندان، فساد اداری، عدالت و قانون، روابط سیاسی نیروهای اجتماعی چون احزاب و سازمان‌ها و گروه‌های فشار، قدرت نظامی، اندیشه و حادثه سیاسی را به عنوان تم برتر داستان خود برمی‌گزیند.

۲. او در ۲۲ سالگی از دانشگاه تبریز لیسانس زبان و ادبیات انگلیسی گرفت. سپس به ترکیه رفت و پس از دریافت درجهٔ دکتری در رشته خود به ایران بازگشت و در دانشگاه به تدریس مشغول شد. در سال ۱۳۳۸ برای بار اول ازدواج کرد که حاصل آن دختری است که در آمریکا زندگی می‌کند. بار دوم با خانم «سوناز صحتی» ازدواج نمود. همچنین تا زمان حضور در ایران، او چند دوره کارگاه نقد، شعر و قصه‌نویسی برگزار کرد که از مشهورترین شاگردان او در آن کارگاه‌ها می‌توان به شیوا ارسطویی، مهسا محب‌علی، فرخنده حاجی‌زاده، ناهید توسلی، رزا جمالی، احمد نادعلی، پیمان سلطانی و... اشاره کرد که باعث شکل‌گیری یک جریان در دههٔ هفتاد شدند. در سال ۱۳۵۱ خورشیدی به آمریکا رفت و شروع به تدریس کرد. یک سال بعد یعنی در سال ۱۳۵۲ که به ایران آمد، به دلیل داشتن عقاید مارکسیستی دستگیر و زندانی شد. مدتی بعد از زندان آزاد و در یک برنامهٔ تلویزیونی ظاهر شد و به تأیید رژیم شاه پرداخت. سپس در سال ۱۳۵۳ خورشیدی، بار دیگر به آمریکا رفت. در سال ۱۳۵۶، جایزهٔ بهترین روزنامه‌نگار حقوق انسانی را گرفت.

۳. آواز کشتگان، دربارهٔ حوادث دانشگاه است و از معدود رمان‌های ایرانی دربارهٔ حوادث دانشگاه، استادان و دانشجویان است. محمود شریفی، نویسنده ترک، برای افشای اوضاع زندان‌های سیاسی اسناد و مدارکی گرد می‌آورد و به خارج از کشور می‌فرستد و در نتیجه دستگیر و شکنجه می‌گردد. این رمان مبتنی بر حوادث مهم تاریخی کشور است. هنر بزرگ در این رمان، ایجاد تنفر از رژیم شاه و سازمان مخوف ساواک است (حبیبی و دیگران، ۱۳۸۳: ۵۳). براهنی این رمان را، نیز مانند چاه به چاه و بعد از عروسی چه گذشت، با هدف پدید آوردن سندی ضد خفقان چیره بر دوران ستم‌شاهی می‌نویسد؛ اما حضور نویسنده در پس اعمال قهرمانان داستان محسوس است.

۴. این رمان، یک رمان قطعه قطعه است که به صورت غیرخطی پیش می‌رود و نویسنده در بخش‌هایی از رمان حضور دارد. قطعه‌های رمان از نظر زمانی، مکانی و روایی از هم متفاوتند؛ ولی با تشکیل قطعه‌های جدید رمان به یکدیگر می‌پیوندند. شخصیت اصلی رمان یعنی آزاده خانم، یک تصویر اسکیزوفرن است که در متن رمان به تصاویر قطعه قطعه شده دیگر از جمله ناسنتکا، دختر روسی که منتظر فدور است، بدل می‌شود. این رمان، رمانی پست مدرن است. براهنی در این رمان با قرار دادن ماجرای فرقهٔ دموکرات آذربایجان و پیامدهای پس از آن در محور پاره‌های عمده‌ای از روایت، علاوه بر انتخاب انبوهی از شخصیت‌های متعلق به محل وقوع حوادث و تصویر چهرهٔ پرخباثت و خشونت فرماندهان دولتی و مستشاران آمریکایی، با جانب‌داری تلویحی، جلوه‌ای تراژیک و مظلومانه به ماجرا می‌دهد (شیری، ۱۳۸۷: ۹۴-۹۵).

۵. این اثر دومین داستان بلند اوست. شیوه بیان آن، روایت سوم شخص مفرد است. نویسنده، دانای کل نیست. این اثر تصویری از یک مبارز مقاوم است؛ دل‌نگرانی مردی به زندان افتاده در مورد همسرش. زهره هوشیاری، همسر زندانی است. اما زهره از دید رحمت (زندانی) به فاحشه‌ای تبدیل می‌شود که در کابوس‌های شوهرش با نگهبان ساواکی عشق‌بازی می‌کند (فعله‌گری، ۱۳۸۵: ۴۲). در این داستان رحمت معلمی است که سابقهٔ دستگیری هم دارد. وی بی‌هیچ انگیزه‌ای جلو روی دانش‌آموزان و معلمان به شاه فحش می‌دهد و به زندان می‌افتد. در زندان گرفتار شک دربارهٔ وفاداری زنش می‌شود. از آنچه کرده، پشیمان است؛ اما حاضر نیست با ساواک همکاری کند. این داستان، معنایی تمثیلی در خود دارد و آن مسئلهٔ محکومیت روشنفکران به زیست اجتناب‌ناپذیر در کنار آدم‌هایی از نوع نگهبانان است (میر عابدینی، ۱۳۸۶: ۸۱۲-۸۱۳).

۶. چاه به چاه، تحریف مبارزه انقلابی مردم ایران نیز است. داستان چاه به چاه، بوی مردار می‌دهد. بوی وادادگی هدایت و چوبک را با هم دارد. گونه‌ای از ادبیات لمپنی است (فعله‌گری، ۱۳۸۵: ۳۶-۳۷). بخش عمده‌ای از ماجراهای این داستان نیز مانند دیگر داستان‌های براهنی حکایت زندان و مبارزه است که می‌توان این ویژگی را درون‌مایهٔ مسلط، یا گفتمان غالب در آثار رضا براهنی به شمار آورد.

۷. به این مسئله پیشتر پرداخته شد.

۸. به عنوان نمونه نویسنده روایت می‌کند که برادرزن تیمسار، هوشنگ، از ستوان بیلتمور که رابط سازمان جاسوسی آمریکا - سیا- با ساواک است، تقاضای کار می‌کند. بیلتمور او را به سیا می‌فرستد تا بعداً در ایران حافظ منافع آمریکا باشد. خواهرزن تیمسار، ته‌مین، هیچ نشانی از خواهرش ندارد. زنی سرکش و مخالف تیمسار است. تیمسار، معشوق او، ناصر را به دلیل اینکه در مقابل تقاضای تیمسار برای لواط مقاومت کرده، کشته است.

۹. «اختلاس، قمار و زن‌بارگی با چاشنی مداوم و گه‌گاه تصادفی بچه‌بازی، عرق‌خوری و تریاک، شش مضمون اصلی زندگی مقامات برجسته ادارات دولتی بود» (براهنی، ۱۳۸۷: ۴۸).

۱۰. در این بخش از قول سرهنگ جزایری، موقعیت تاریخی ایران را نسبت به حضور بیگانگان و آثار زبان‌بار آن برای مردم، اینگونه توصیف کرده است:

«ریشخندها، تحقیرها و پوزخندها را نادیده گرفتیم، تو لاک خود خزیدم و پناه بردم به تریاک، چیزی که ارتش شاه بعد از سقوط مصدق، در شهرهای کوچک به آن پناه برده بود، هرکس به دلیل خودش. اگر رضاشاه اول ما را تحویل انگلیسی‌ها داده بود و بعد تحویل آلمانی‌ها، و در نتیجه سیاست‌های احمقانه‌اش، مملکت را تحویل ارتش‌های متفقین داده بود، پسرش ما را تحویل آمریکایی‌ها داده بود» (همان: ۲۹۲-۲۹۳).

منابع

آبراهیمیان، یرواند (۱۳۷۹) ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل‌محمدی و محمدابراهیم فتاحی، تهران، نی. براهنی، رضا (بی‌تا) تاریخ مذكر (رساله‌های پیرامون علل تشتت فرهنگی در ایران)، تهران، چاپخانه محمدعلی علمی.

براهنی، اکتای (۱۳۸۸) «رازهای سرزمین من»، هفته‌نامه ایران‌دخت، شماره ۹۱، ۲۶ دی ماه، ص ۴۵.

براهنی، رضا (۱۳۵۸) در انقلاب ایران چه شده و چه خواهد شد، تهران، کتاب زمان.

----- (۱۳۶۸) قصه‌نویسی، چهارم، تهران، البرز.

----- (۱۳۸۰) بحران رهبری نقد ادبی و رساله حافظ، تهران، دریاچه.

----- (۱۳۸۷) رازهای سرزمین من، تهران، نگاه.

پارسی‌نژاد، کامران (۱۳۸۷) هویت‌شناسی ادبیات و نحله‌های ادبی معاصر، تهران، کانون اندیشه جوان.

حبیبی، مجتبی و دیگران (گروه منتقدان) (۱۳۸۳) «هرگونه شباهت احتمالی بین آنها تصادفی است: نقد رمان

آواز کشتگان»، مجله ادبیات داستانی، شماره ۸۴، آبان، صص ۵۲-۵۴.

حسن‌بیگی، ابراهیم (۱۳۶۷) کینه‌زلی (نقد دو اثر از رضا براهنی)، تهران، برگ.

رادی، اکبر (۱۳۶۷) «تا حکم زمانه چه باشد» (نامه اکبر رادی به رضا براهنی درباره رمان رازهای سرزمین من)،

آدینه، شماره ۲۲ و ۲۵، تیرماه، صص ۲۸-۳۱.

زرشناس، شهریار (۱۳۸۸) جستارهایی در ادبیات داستانی معاصر، تهران، کانون اندیشه جوان.

سرکوهی، فرج (۱۳۶۹) «بازاندیشی جامعه به خود با واسطه رمان»، آدینه، شماره ۴۳ و ۴۴، نوروز.

سیاست و سازمان حزب توده (۱۳۷۰) تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.

شروقی، علی (۱۳۸۵) «روزهای آقای براهنی: مروری بر زندگی ادبی رضا براهنی»، روزنامه اعتماد، شماره ۱۱۱۱،

ص ۵.

شیدا، بهروز (۱۳۸۷) درهم‌آمیزی اسطوره و تاریخ در کتاب رازهای سرزمین من، تهران، نگاه.

شیری، قهرمان (۱۳۸۷) مکتب‌های داستان نویسی در ایران، تهران، چشمه.

عسکری حسنگلو، عسکر (۱۳۸۸) نقد اجتماعی رمان معاصر فارسی، تهران، پژوهش فرزانه روز.

فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹) تحلیل انتقادی گفتمان، ترجمه فاطمه شایسته پیران و دیگران، ویراسته محمد نبوی و

مهران مهاجر، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

فعله‌گری، مصطفی (۱۳۶۸) رازهای سرزمین من را چه کسی می‌داند؟ (نگاهی به یک داستان طولانی)، تهران،

خنیا.

----- (۱۳۸۵) چاه پر کژدم (درباره رضا براهنی)، تهران، معاونت پژوهشی و آموزشی سازمان

تبلیغات اسلامی.

قاسم‌زاده، سید علی و مصطفی گرجی (۱۳۹۰) «تحلیل گفتمان انتقادی رمان دکتر نون زنش را بیشتر از مصدق

دوست داشت»، مجله ادب‌پژوهی، شماره ۱۷، صص ۳۳-۶۳.

قبادی، حسینعلی و دیگران (۱۳۸۸) «تحلیل گفتمان غالب در رمان سووشون سیمین دانشور»، فصلنامه نقد

ادبی، سال دوم، شماره ششم، صص ۱۴۹-۱۸۳.

----- (۱۳۹۰) «تحلیل گفتمانی رمان جزیره سرگردانی و پیوند معنایی با دیگر رمان‌های

سیمین دانشور»، مجله ادب‌پژوهی، شماره ۱۵، صص ۳۵-۵۷.

کوثری، مسعود (۱۳۷۹) تأملاتی در جامعه‌شناسی ادبیات، تهران، مرکز بازنشاسی اسلام و ایران (باز).

۱۳۰ / پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره بیست و هفتم، زمستان ۱۳۹۱
گرچی، مصطفی و دیگران (۱۳۹۱) «تحلیل گفتمانی رمان کولی کنار آتش منیرو روانی‌پور»، مجله بهار ادب،
سال پنجم، شماره اول، پیاپی ۱۵، صص ۷۹-۹۰.
مقصودی، مجتبی (۱۳۸۰) تحولات سیاسی - اجتماعی ایران (۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷)، تهران، روزنه.
میرعابدینی، حسن (۱۳۸۶) صد سال داستان‌نویسی در ایران، تهران، چشمه.
ناتالی، هینیک (۱۳۸۴) جامعه‌شناسی هنر، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران، آگه.
یزدانی خرم، مهدی (۱۳۸۷) «چگونه فولاد آبدیده شد (درباره رمان رازهای سرزمین من و ذهنیت انقلاب)»، در
کتاب رازهای سرزمین من، چاپ دوم، تهران، نگاه.

John Horton and Andrea T. Baumeiste” Literature and the Political Imagination London and
New York, First Published 1996, by Routledge, 11 New Fetter Lane, London.

Archive of SID